



کشور ما در دو انتخابات ۱۳۷۶ و ۱۳۹۲ با یک تغییر استراتژی اساسی از بحران‌های بین‌المللی که یکی پس از قضیه رستوران میکونوس و آمیا و دیگری با پرونده هسته‌ای برای ایران ایجاد شده بود، شاهد بهبود موقعیت در مجامع بین‌المللی بوده است. آیا با باز شدن فضای سیاسی و بالارفتن مشارکت مردم، بار دیگر شاهد بهبود موقعیت ایران در مجامع بین‌المللی و منطقه‌ای خواهیم بود؟



محمد مهاجری: جریانی که در توضیح پاسخ قبیل از آن یاد کردم، به‌شدت به‌دنبال کاهش مشارکت است. در مشارکت کمتر از ۵۰ درصد و حدود ۴۰ درصد، قطعاً آن جریان برنده است و اگر انتخابات به مشارکت بالای ۷۰ درصد برسد و در واقع فضا به‌گونه‌ای باز شود که ۷۰ درصد از مردم بتوانند مشارکت داشته باشند، در آن صورت قطعاً نتیجه انتخابات به‌گونه دیگری رقم خواهد خورد. در مورد بحران‌های بین‌المللی، دائماً در کشور تبلیغ می‌شود که مشکلی نداریم و به‌راحتی می‌توانیم بر بحران‌ها غلبه کنیم و همه مشکلات را حل کنیم. این شعار را از سال ۱۳۸۲ تاکنون داده‌ایم و پرونده هسته‌ای ایران هرگز وضعیت خوبی پیدا نکرده است و تحریم‌ها دائماً ادامه پیدا کرده است. امروز خیلی بیشتر از ۲۰ سال پیش تحریم‌ها دندان‌های زشت خود را به مردم نشان می‌دهد و مردم آن را در معیشت‌شان و کوچکتر شدن سفره خود کاملاً حس می‌کنند. از نظر من آن بخشی از جامعه که با صندوق رای قهر است، به این دلیل است که فهمی از موضوعات دارد و احساس می‌کند که سیستم انتخاباتی کشور تلاشی برای حل آن مسائل نمی‌کند.

تمایل قطعاً در مدیریت کلان کشور وجود دارد که روابط بین‌الملل را بهبود دهیم، اما مسئله به یک مرحله قبل باز می‌گردد؛ هر وقت دولتی داشته باشید که پر قدرت باشد و توان سیاسی و چانه‌زنی بالا به دلیل پشتوانه بزرگ رای مردم داشته باشد، مجبور نیستید به صورت پنهانی و محرمانه و درگوشی با کشورهای دیگر گفت‌وگو کنید. خیلی تفاوت است بین دولتی که مثلاً رئیس‌جمهور آن ۱۸ میلیون رای می‌آورد با دولتی که رئیس‌جمهور آن ۲۵ میلیون رای می‌آورد. این دو اختلاف برای مذاکره‌کنندگان خارجی حتماً سیگنال است. دولت وقتی که از یک

بعد از آن هم دولتِ روی کارآمده اگرچه بر طبل دشمنی با غرب و به‌ویژه آمریکا می‌کوبید و دولت حسن روحانی را به تشنه بودن ایجاد رابطه با غرب محکوم می‌کرد، خود نیز سیاست مذاکره را خواه مستقیم و خواه غیرمستقیم در پیش گرفت. حالا هم وضعیت ایران در پی چالش‌های مطرح‌شده، آن ثبات لازم را در فضای بین‌الملل ندارد. در این بین با پایان زود هنگام عمر رئیس‌ دولت سیزدهم که براساس اصل ۱۳۱ قانون اساسی، باید خیلی زود (حداکثر ظرف مدت پنجاه روز) در اختیار نفر بعدی قرار گیرد؛ حال باید ببینیم که رویکرد نظام در برگزاری این انتخابات غیرمنتظره چه خواهد بود؟

رویکرد خوشبینانه در رابطه با انتخابات ریاست‌جمهوری پیش رو این است که نظام آفوش خود را به روی کاندیداهای میانه‌روتر باز خواهد کرد، انتخابات رقابتی‌تر خواهد شد و فرصت حضور گزینه‌های جدی به جز جریان اصولگرایی تددرو داده خواهد شد، چراکه حال که احتمال روی کار آمدن ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور بعدی آمریکا بالا است، جمهوری اسلامی نیز با باز کردن فضا برای حضور گزینه‌های متنوع‌تر و گسترده‌تر، هم مردم را به پای صندوق‌های



خالص‌سازی و نظارت استصوابی در دو انتخابات گذشته باعث کاهش بی‌سابقه مشارکت مردم در انتخابات شده و موضوع دموکراسی و جمهوریت نظام را در مجامع بین‌المللی زیر سوال برده؛ فکر می‌کنید حکومت برای ترمیم اعتبار بین‌المللی تصمیم به باز کردن فضای رقابت خواهد گرفت؟

محمد مهاجری: هنوز نمی‌دانم که باید جواب این سوال را بله بگویم یا خیر. اما تصویری که دارم این است که با وجود همه شعارهایی که داده می‌شود، قطعاً سیاست‌گذاران کلان نظام متوجه ضعف‌های موجود در سه سال گذشته شده‌اند. با وجود همه وعده‌هایی که مبتنی بر چهار میلیون مسکن و ایجاد یک میلیون شغل در سال و کاهش تورم به نصف داده شد، سیاستگذاران کلان دیدند که این وعده‌ها محقق نشده است و آنها نیز دلیل دارد؛ اولیسن موضوع تحریم‌های حل‌نشده و دومین موضوع، مدیریت‌های فوق‌العاده ضعیف در دولت بوده است. این موضوعات به اندازه کافی برای مسئولان ارشد کشور و مردم شناخته‌شده است. اما آنها برای رفع این مشکل چه خواهند کرد؟ آیا فضا را باز می‌کنند تا با مشارکت بیشتر دولت مقتدری روی کار بیاید که بتواند مسائل را حل کند یا اینکه فکر می‌کنند باید با پنهان کاری و تداوم روند خالص‌سازی و یکدست‌سازی یک دولت کوچکی از نظر اعتماد مردمی به وجود بیاید که بتواند با لابی‌های پشت

محمد مهاجری:

جریان افراطی حامی دولت، به‌دنبال این است که برای این انتخابات فضای عقلانی در جامعه شکل نگیرد و انتخابات در یک فضای کاملاً احساسی برگزار شود. این فضای احساسی نیز مبتنی بر همان رای ثابتی است که بخشی از اصولگرایان دارند و به‌دنبال این هستند که رئیس‌جمهوری ولو ضعیف‌تر از رئیس‌جمهور قبلی در چنین شرایطی انتخاب شود

.....



پشتوانه عظیم مردمی برخوردار باشد، قدرت چانه‌زنی بالایی دارد، اما وقتی که چنین قدرتی ندارد، مجبور است هم مذاکره را از مردم خود پنهان کند و هم اینکه مذاکرات در لفافه و پشت پرده و غیرشفاف باشد. از نظر من درست است که همین دولت سیزدهم که از نظر مشارکت مردمی در انتخابات ضعیف بود، علاقه‌مند بود که موضوعات را حل کند، اما این علاقه‌مندی همراه با اقتدار درونی نبود.

حسین نقاشی:البته در سال ۱۳۷۶ یک گفت‌مان و اندیشه سیاسی به همراه بازسازی و نوگرایی در حوزه دینی زمینه‌ساز رویداد دوم خرداد شد و گفت‌مان اصلاح‌طلبی زائیده تحولاتی در اندیشه سیاسی و دینی بود که تقریباً از هفت، هشت سال قبل‌تر در نشریات مختلف آن زمان در حال تولید محتوا بود و از یک بنیان نظری برخوردار بود. در سال ۱۳۹۲ چندان مسئله خاستگاه گفت‌مانی و اندیشه سیاسی ویژه‌ای نداشت. در واقع عملکردی سیاسی در میان بخش‌هایی از فعالین، احزاب و چهره‌های سیاسی اصلاح‌طلب بود که با گرایش به سمت آقای روحانی تلاش کردند وضعیت کشور را بعد از دوره ریاست احمدی‌نژاد که بسیاری از بنیان‌های بدیهی زمامداری در کشور را دچار آسیب کرده بود، سروسامان دهند؛ هر چند که گمان می‌کردند با روی کار آمدن آقای روحانی به چرخه نرمال و بدیهیات حکمرانی باز می‌گردیم. در نتیجه مقایسه این دو رویداد را درست نمی‌دانم اما درباره تأثیر این اتفاقات بر سیاست خارجی می‌توان بحث کرد و در حال حاضر گمان من این نیست که نظام حکمرانی به طور کلی چندان خود را در موقعیت ترمیم بیابد. یعنی به کرات تأکید و مطرح شده است که ما در حال رفتن به سمت قله هستیم و در این مسیر ممکن است مشکلاتی هم وجود داشته باشد اما در رأس حکمرانی نیز

کشور ما برای اینکه زیر بار تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی خم نشود، نیازمند آن است که درهای خود را به روی جمهوریت بگشاید و با تغییر رویکرد داخلی در برگزاری انتخاباتی آزاد که امکان حضور همه جریان‌های سیاسی را فراهم می‌کند، کشور را در سطح بین‌المللی و اتخاذ تصمیمات جهانی نسبت به آن به نوعی بیمه کند

.....

پنجشنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۳
سال سوم • شماره ۵۱۹
www.hammihanonline.ir

.....

این نگاه یا تصویری که ما دچار یک بحران چه در داخل کشور و چه در عرصه بین‌المللی روبه‌رو هستیم، احساس نمی‌شود. بنابراین گمان نمی‌کنم این مسائل نیز تأثیری داشته باشد بر اینکه سیاست‌ها بخواهد تغییر کند. از آنجایی که تصویری از اینکه کشور در یک وضعیت بحرانی، چه در عرصه داخلی و چه در عرصه جهانی قرار دارد، وجود ندارد، در نتیجه دلیلی هم برای اینکه بخواهند گشایشی ایجاد کنند و فضا را بازتر کنند نمی‌بینند. از سوی دیگر واکنش بخش‌های قابل تأملی از جامعه نیز این است که در بحث انتخابات سکوت کنند چراکه گزینه و یا گزینه‌هایی را نمی‌بینند که امکان و توان پیشبرد مطالبات آنها را چه در مسائل اقتصادی، چه اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره داشته باشد. در عرصه بین‌المللی نیز تصور بخش مؤثری از جامعه که در انتخابات چند دوره اخیر حضور جدی نداشته، این است که نهاد قوه مجریه و به‌طور مشخص وزارت خارجه چندان تصمیم‌گیر اصلی و نهایی مقدرات سیاست‌ها و سیاستگذارانها در عرصه ملی و بین‌المللی نیست و نهادهای دیگر نظامی و خارج از نظارت رسانه‌ای و پارلمانی و احزاب هستند که تصمیمات را تعیین می‌کنند. این مسئله باعث می‌شود اساساً حضور در انتخابات و هر گونه تغییر و تحول در سطح قوه مجریه را چندان تأثیرگذار نبینند و این بخش مهمی از دلیل واگرایی مردم از صندوق رای است.



حمیدرضا ترقی: شهادت آیت‌الله رئیسی و همراهانش ضمن افزایش سرمایه اجتماعی نظام و افزایش گرایش به مشارکت مردم در انتخابات، مجامع بین‌المللی را نیز متأثر و موجب بهبود روابط با کشورهای جدید و تجدید روابط با ایران شد؛ لذا نیازی به فضای باز سیاسی خارج از حدود قانون نیست.

.....

قرار بر این بود که سیاست موجود چهار سال دیگر نیز با حضور رئیسی ادامه پیدا کند، حالا چه کسی باید دنباله‌ور این سیاست باشد؟ اما آنچه مسلم است، کشور ما برای اینکه زیر بار تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی خم نشود و در صورت روی کار آمدن ترامپ که احتمالاً با تشدید تحریم‌ها و برخورد‌های شدیدتر کشور ما را با تهدیدهای جدیدتر و سخت‌تری روبه‌رو خواهد کرد، نیازمند آن است که درهای خود را به روی جمهوریت بگشاید و به قولی میزان را رای ملت قرار دهد؛ نیازمند آن است که با تغییر رویکرد داخلی در برگزاری انتخاباتی آزاد که امکان حضور همه جریان‌های سیاسی را فراهم می‌کند، کشور را در سطح بین‌المللی و اتخاذ تصمیمات جهانی نسبت به آن به نوعی بیمه کند.

به‌منظور بررسی آثار تهدیدهای بیرونی در تصمیمات حکومت در بازکردن فضای انتخابات، روزنامه هم‌میهن در گفت‌وگو با محمد مهاجری، تحلیلگر سیاسی اصولگرا، حسین نقاشی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و عضو حزب اتحاد ملت و حمیدرضا ترقی، عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه به بررسی این موضوع پرداخته است که در ادامه می‌آید:

.....

خالص‌سازی و نظارت استصوابی در دو انتخابات گذشته باعث کاهش بی‌سابقه مشارکت مردم در انتخابات شده و موضوع دموکراسی و جمهوریت نظام را در مجامع بین‌المللی زیر سوال برده؛ فکر می‌کنید حکومت برای ترمیم اعتبار بین‌المللی تصمیم به باز کردن فضای رقابت خواهد گرفت؟

.....

جمله حامیان سیاست‌ها و نظم موجود، که به دلایل مختلف، نگران از موقعیت و جایگاه شغلی و اداری و موقعیت‌های این‌چنینی در انتخابات حضور می‌یابند انتخابات را پیش ببرد. تصمیم نظام در واقع بر این است که بخشی را که به هر دلیلی در انتخابات شرکت می‌کند و با تأمین مطالبات بخشی که از وضع موجود حمایت می‌کند، آنها را قانع کند و سایر بخش‌های جامعه نادیده گرفته شوند. اعتراضات چند سال گذشته نیز نشان داد به جای اینکه نظام سیاسی در جهت زدودن و دست‌کم، کاستن این تضادهای کاستن از بحران‌ها پیش رود، به سوی حذف صورت‌مسئله پیش رفته و به نظر می‌رسد تغییری نیز در کوتاه‌مدت و میان‌مدت پیش نخواهد آمد.



حمیدرضا ترقی: این تحلیل که خالص‌سازی منشأ کاهش مشارکت شده حرفی فاقد منطق است. علل کاهش مشارکت، تزریق ناامیدی به جامعه از طریق برجام و فشار اقتصادی ناشی از ترک فعل‌ها و کوتاهی‌های دولت‌های قبل بوده است.

ادامه یادداشت سردبیر

.....

گزاره‌هایی که با جلوگیری از احیای برجام در سال آخر دولت روحانی که هم‌زمان با روی کار آمدن جو بایدن بود، بیش از پیش تأیید می‌شد. یک شاهد دیگر، واکنشی بود که از عالی‌ترین سطح نظام سیاسی در قبال مصاحبه بحث‌برانگیز محمدجواد ظریف (در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰) نشان داده شد و جایگاه وزارت امور خارجه در حد «کارگزار» - و نه سیاستگذار - سیاست خارجی کشور، معرفی شد.

سه سال پس از آن روزها و در شرایطی که کشور خود را برای انتخاب جایگزین رئیس‌جمهور فقید آماده می‌کند، بار دیگر فاکتور خارجی را می‌توان عاملی تعیین‌کننده در انتخابات پیش‌رو دانست. طرح این بحث، البته به آن معنا نیست که برخی یا طیفی از نامزدها گرایش یا وابستگی به نیروهای خارجی دارند و همچون عصر قاجار، می‌توان برخی سیاستمداران را روسوفیل و برخی دیگر انگلوفیل نامید. گرچه، برخی رسانه‌ها و سخنگویان جریان حاکم چنین برخوردی را در قبال دولت‌قبل‌حامیان آن دارند و آنان را «غرب‌گرا» و گاه حتی «غرب‌گدا» می‌خوانند؛ اما نیروهای منتقد دولت کنونی، چنین ادعاها و اتهاماتی را متوجه جریان حاکم نمی‌کنند. بنابراین، سخن گفتن از تأثیر و نقش عامل خارجی در انتخابات ریاست‌جمهوری پیش‌رو، به‌معنای متهم کردن نامزد یا جریانی سیاسی به هسوسویی با نیروهای خارجی نیست. بلکه، سخن بر سر این است که در شرایط کنونی نیز همچون سال ۱۳۹۲ کشور در شرایطی دشوار از حیث بین‌المللی به سر می‌برد و احتمال جدی و قوی این است که با بازگشت ترامپ به کاخ سفید در ماه‌های آینده، این وضعیت بسیار دشوارتر شود.

به نظر می‌رسد همین نگرانی از بازگشت ترامپ است که ایران را واداشته تا در آخرین ماه‌های حضور بایدن در کاخ سفید، دور تازه تماس‌ها و مذاکرات پدیدآور پنهان خود را با آمریکایی‌ها از سر گیرد و بکوشد تا قبل از تغییر دولت کنونی ایالات متحده، توافق ضمنی یا نسبی را صورت دهد. بااین حال، به نظر نمی‌آید که این مذاکرات شتابزده گره خاصی را از کار ایران بگشاید. چراکه در صورت بازگشت ترامپ، او بی‌تردید این توافقات ضمنی را زیر پا خواهد گذاشت؛ همچنان که توافقی بسیار معتبرتر برجام را که از پشتوانه دیگر قدرت‌های جهانی و قطعنامه شورای امنیت نیز برخوردار بود، به هیچ انگاشت.

ضمن آنکه برآوردها از فضای انتخاباتی داخل آمریکا نشان از آن دارد که رای‌دهندگان این کشور در شرایط کنونی چندان توجه و تمایلی به حل مسائل این کشور با ایران ندارند و بیش‌بینی می‌شود چنین توافقی نه‌تنها نمی‌تواند برگ‌زننده‌ای برای بایدن در انتخابات باشد؛ بلکه کمترین انتخاباتی دموکرات‌ها نگران است که این مذاکرات و توافقات، بر شدت حملات لابی اسرائیل، جمهوری خواهان و حتی طیف راست حزب دموکرات به بایدن بیافزاید و سیاست خارجی ناکام آن در خاورمیانه را با نقد جدی جدیدی مواجه سازد. (در این باره، نگاه کنید به یادداشت اخیر صابر گل‌عنبی با عنوان: «تحرکات جدید: گامی به سوی توافق؟» در کانال تلگرامی نویسنده).

باچنین نگاهی است که می‌توان سناریوی محتمل پیش روی ایران را «آماده شدن برای مذاکره با دولت جدید آمریکا» تصور کرد؛ سناریویی که چه در صورت ابقای بایدن و چه در صورت بازگشت ترامپ، باید به اجرا درآید و چه‌بسیا می‌توان گفت که ضرورت و فوریت آن در حالت رئیس‌جمهور شدن ترامپ بیشتر و جدی‌تر خواهد بود. چراکه نوع مواجهه ترامپ با ایران، کاملاً متمایز با بایدن است. ترامپ از یک‌سو، در اجرای تحریم‌ها از وضعیت کج‌دار و مریز فعلی فاصله خواهد گرفت و از آن‌سو، روابط نزدیک‌تری با رقبای منطقه‌ای ایران (اسرائیل و عربستان) برقرار می‌سازد و در جهت تحقق رویای «توافق ابراهیم» گام برخواهد داشت.

مجموعه این سناریوها و گمانه‌زنی‌هاست که می‌تواند بر اهمیت فاکتور خارجی در انتخابات هشتم‌تیر بیافزاید. اگر نظام سیاسی تصمیمی جدی برای ازسرگیری مذاکرات با آمریکا گرفته باشد و راه مواجهه با ترامپ را در این مذاکرات دیده باشد؛ طبعاً، چه در سیگنال‌ها و پیام‌های احتمالی که به برخی نامزدهای اصلی داده می‌شود و چه در مرحله تأییدمصاحبت‌ها و چه در فضای مناظرات انتخاباتی ... و به‌شکلی عمل خواهد شد که زمینه روی کار آمدن رئیس‌جمهور و دولتی متناسب با رویکرد مذاکراتی فراهم شود. مشابه اتفاقی که در انتخابات ۱۳۹۲ رخ داد و به روی کار آمدن روحانی انجامید. باچنین سناریویی، احتمال حضور نامزدهایی چون علی لاریجانی در صحنه انتخابات و پیروزی آنها افزایش می‌یابد. اما اگر نظام سیاسی تصمیمی برای مذاکرات جدی و مؤثر با دولت آینده آمریکا نگرفته باشد، روی کار آمدن رئیس‌جمهوری میانه‌رو و اصلاح‌طلب نه‌فقط گرهی از کار فروبسته کشور نمی‌گشاید، بلکه بر ابعاد منازعه و شکاف درونی بلوک حاکم می‌افزاید؛ منازعه‌ای که هرچه منابع مالی دولت در پی تحریم‌ها محدودتر و کانال‌های ارتباطی کشور تنگ‌تر شود، شدت خواهد گرفت.